



نقد اقتصاد سیاسی نقد بتواری نقد ایدنولوژی

<https://naghd.com>

نظریه‌هایی پیرامون ارزش اضافی

مقدمه به ترجمه‌ی فارسی

کمال خسروی



اردیبهشت ۱۴۰۳

«همه‌ی اقتصاددانان در این اشتباه شریک‌اند که به ارزش اضافی، نه به‌گونه‌ای بی‌پیرایه و فقط در مقام ارزش اضافی، بلکه در شکل‌های ویژه‌ی سود و رانت می‌پردازند. پس از این در فصل III، جایی که شکل بسیار دگرذیسی‌یافته‌ی واکاوی می‌شود که ارزش اضافی در مقام سود به‌خود می‌گیرد، نشان داده خواهد شد چه کژراهه‌های نظری‌گریزناپذیری، به‌ناگزیر از این اشتباه سرچشمه و پای می‌گیرند.»

کارل مارکس

بی‌گمان «ارزش» و «ارزش اضافی» بن‌پایه‌های نقد اقتصاد سیاسی مارکسی‌اند. هر چند در اهمیت این دو مقوله در دستگاه نظری مارکسی کوچک‌ترین تردیدی نیست، هستند شمار بسیاری از نویسندگان و نظریه‌پردازان مارکسیست که بر اهمیت ویژه‌ی مقوله‌ی «ارزش اضافی» تأکید دارند، زیرا آن را وجه تمایز و سرشت‌نمای نظریه‌ی مارکس تلقی می‌کنند. استدلال عمده‌ی این گروه از نظریه‌پردازان بر نقش ارزش اضافی در تولید و بازتولید سرمایه، چه در فرایند انباشت و چه در دگرسانی فریفتارانش به شکل سود، بهره و رانت، استوار است. گروه دیگری از نویسندگان و نظریه‌پردازان که بیش‌تر بر اهمیت مقوله‌ی «ارزش» تأکید دارند غرض‌شان بی‌گمان انکار اهمیت و نقش ارزش اضافی در موارد ذکرشده نیست. پافشاری این گروه بر مقوله‌ی ارزش بیش‌تر از آن روست که نظریه‌ی مارکسی ارزش اضافی بدون نظریه‌ی مارکسی ارزش نه‌تنها به‌شایستگی استوارکردنی نیست، بلکه با این خطر و نگرانی نیز همراه است که نظریه‌ی مارکسی ارزش را یکی از نظریه‌های اقتصاد کلاسیک (مانند دیدگاه‌های ریکاردو یا آدام اسمیت)، یا در بهترین حالت تداوم یا تکامل آن‌ها تلقی کند. به عبارت دیگر با سرشت‌نما قلمداد کردن نظریه‌ی ارزش اضافی مارکس، این شبهه پیش می‌آید که بی‌همتایی نقد مارکسی اقتصاد سیاسی در نظریه‌ی ارزش اضافی اوست و نه در نظریه‌ی ارزش، که مبنای این نظریه‌ی ارزش اضافی است. از منظر گروه دوم، نظریه‌ی ارزش مارکس نه با نظریه‌ی اقتصاد کلاسیک یگانه و نه نسخه‌ی تکمیلی آن است بلکه، از آغاز تا پایان، نقد اقتصاد سیاسی است.

یادداشت کوتاه پیش‌رو، در راستای طرح نکاتی پیرامون ترجمه‌ی مجلد نخست **نظریه‌های ارزش اضافی**، فرصت درخوری برای پرداختن به این بحث و نتایج گوناگون آن نیست. اما این اثر ارزنده و بی‌همتای مارکس مجال گران‌قدر برای جست‌وجوی استدلال‌هایی نزد مارکس در ارزیابی و آگاهی به استدلال‌های نظریه‌پردازان گوناگون در این زمینه است.

آنچه در زبان فارسی به **نظریه‌ها** یا **تئوری‌های ارزش اضافی** شهرت یافته است در واقع ترجمه‌ی عنوان انگلیسی آن است. این متن بخشی است از دست‌نوشته‌های ۱۸۶۱-۱۸۶۳ مارکس با عنوان اصلی

نظریه‌هایی پیرامون ارزش اضافی [*Theorien über den Mehrwert*]، اما در ترجمه‌ی پیش‌رو نیز از عنوان آشنا و شناخته‌شده‌ی **نظریه‌های ارزش اضافی** استفاده شده است.

دست‌نوشته‌های ۱۸۶۳-۱۸۶۱ مارکس مجموعه‌ی بسیار بزرگی در سی دفتر است که علاوه بر بخش مربوط به **نظریه‌هایی پیرامون ارزش اضافی**، شامل آثار بسیار مهم دیگر او از جمله مجله‌های دوم و سوم **کاپیتال** نیز هست که پس از مرگ مارکس از سوی انگلس منتشر شدند. به بخش **نظریه‌هایی پیرامون ارزش اضافی**، که مجموعه‌ی بررسی‌های انتقادی مارکس از دیدگاه‌های نظریه‌پردازان «اقتصاد سیاسی» و طرح دیدگاه‌های خود او در نقد اقتصاد سیاسی است، نخستین بار انگلس در ۲۲ مه ۱۸۸۴، در نامه‌ای به لورا لافارگ، و سپس در نامه‌ی دیگری در ۱۶ فوریه‌ی همان سال به کائوتسکی، اشاره می‌کند و آن را «تاریخ اقتصادی و تفصیلی هسته‌ی مرکزی اقتصاد سیاسی، همانا نظریه‌ی ارزش» می‌نامد. قصد انگلس این بوده است که پس از اتمام کار انتشار مجله‌های دوم و سوم **کاپیتال** این دست‌نوشته‌ها را نیز منتشر کند. این کار با درگذشت انگلس در سال ۱۸۹۵ بر زمین می‌ماند. نخستین ویراست **نظریه‌هایی پیرامون ارزش اضافی** در فاصله‌ی سال‌های ۱۹۰۵ تا ۱۹۱۰ از سوی کارل کائوتسکی منتشر می‌شود؛ ویراستی که، بنا به ارزیابی ویراستاران بعدی، ناقص و همراه با دخل و تصرف‌های ناروا و نادرست است. گام بعدی برای انتشار کامل این دست‌نوشته‌ها را «انستیتو مارکسیسم-لنینیسم» زیر نظر کمیته‌ی مرکزی حزب کمونیست اتحاد جماهیر شوروی» در ۱۹۵۰ برمی‌دارد و آن را در سه مجلد، مجلد نخست ۱۹۵۴، مجلد دوم ۱۹۵۷ و مجلد سوم ۱۹۶۱، منتشر می‌کند. ویراست مشهور **MEW** محتوای این سه مجلد را به سه مجلد ۱- ۲۶، ۲- ۲۶، و ۳- ۲۶ در مجموعه‌ی آثار ۴۴ مجلدی مارکس و انگلس بدل می‌کند. ویژگی ویراست **MEW** افزودن توضیحات و پانویس‌های بسیاری به متن اصلی است. هم‌چنین در این ویراست همه‌ی گفتاوردهای مارکس از نظریه‌پردازان دیگر، که به زبان اصلی‌شان بازنویسی شده‌اند، به زبان آلمانی ترجمه شده و گفتاوردهای اصلی به بخش «افزوده‌ها»ی پایان کتاب منتقل شده‌اند. متن‌های **MEGA** و **MEW** به لحاظ محتوا با هم تفاوتی ندارند. متن **MEGA** به اصل دست‌نوشته (رسم‌الخط و نقطه‌گذاری) کاملاً وفادار است و متن **MEW** رسم‌الخط و نقطه‌گذاری (علایم سجاوندی) را تا اندازه‌ای ترمیم و «مدرن» کرده است. در این ترجمه ویراست **MEGA** مبنا قرار گرفته، اما همه‌ی توضیحات و یادداشت‌های مفید ویراست **MEW** نیز حفظ شده‌اند. عنوان **MEGA** مخفف و مجموع حروف اختصاری عنوان **کارل مارکس و فریدریش انگلس**، **نشر کامل و MEW** مخفف و مجموع حروف اختصاری عنوان **آثار کارل مارکس - فریدریش انگلس** است.

نظریه‌های ارزش اضافی را معمولاً مجلد چهارم **کاپیتال** می‌نامند. حتی ویراست MEW آن را رسماً مجلد چهارم «**کاپیتال**» [Vierter Band des “Kapitals”] نام نهاده است. اطلاق عنوان «مجلد چهارم کاپیتال» به **نظریه‌های ارزش اضافی**، تا جایی که به اهمیت و ارزندگی محتوای نظری این مجموعه مربوط است و با توجه به حجم مطالب آن که در ویراست‌های کنونی به بیش از ۲۰۰۰ صفحه بالغ می‌شود و خود به‌تنهایی در سه مجلد جداگانه گنجانده شده است، بی‌گمان رواست و پرهیز از اطلاق چنین عنوانی به این مجموعه ذره‌ای از اهمیت و ارج آن نمی‌کاهد. باین‌حال برای کاربرد چنین عنوانی برای مجموعه‌ی **نظریه‌ها** باید دو نکته را در نظر داشت.

نخست، جایگاه این مجموعه در برنامه‌ی نظری مارکس. او در طرح خود برای «نقد اقتصاد سیاسی» (در ترجمه‌ی فارسی، ص ۱۸) — که نه سال پیش از انتشار نخستین ویراست مجلد نخست **کاپیتال** در سال ۱۸۶۷ نوشته شده است — قسمت «سرمایه به طور اعم» را در کتاب مربوط به سرمایه، به بخش‌های (الف) «کالا»، (ب) «پول» و (ج) «سرمایه» تقسیم می‌کند. بخش «سرمایه» دارای فصل‌های گوناگونی است که نخستین آن «فرایند تولید سرمایه» است و این بخش به نوبه‌ی خود به پنج زیرفصل تقسیم می‌شود و زیرفصل پنجم آن «نظریه‌هایی پیرامون ارزش اضافی» نام دارد. آن‌چه ما امروز به عنوان **نظریه‌های ارزش اضافی** می‌شناسیم در واقع همان چیزی است که مارکس در طرح خود برای پرداختن به نظریه‌های ارزش اضافی در نظر گرفته بود. به همین دلیل در فهرست مارکس برای مبحث «نظریه‌ها»، که در صفحه‌ی داخل جلد دفتر ششم «VI-219b» آمده است (ترجمه‌ی فارسی، ص ۴۱)، همیشه عدد ۵ حاکی از شماره‌ی این زیرفصل است. امروز می‌دانیم که مجلد نخست **کاپیتال** با این طرح تطابق کامل ندارد و شامل مبحث نظریه‌های ارزش اضافی نیست. روشن است که جای دادن حدود ۲۰۰۰ صفحه در یک زیرفصل نه ممکن بوده و نه با روال موردنظر مارکس تطابق داشته است.

دوم، روش مارکس در گزینش ترتیب و توالی بخش‌ها و مقولات. روش مارکس به طور کلی، و روش او در **کاپیتال**، از زمان مارکس تاکنون موضوعی است مناقشه‌برانگیز و طیفی از دیدگاه‌های متفاوت و متناقض را در بر می‌گیرد. غرض در این‌جا وارد شدن به این مشاجرات نیست؛ حتی اشاره‌ی فهرست‌وار به آثاری که در این زمینه نوشته شده‌اند خود کتابی پُر حجم خواهد شد. غرض این است که هیچ‌یک از این دیدگاه‌ها، به‌رغم تفاوت‌ها و تناقض‌های‌شان، نمی‌تواند بنا بر منطق ترتیب و توالی بخش‌ها، مبحث نظریه‌ها یا تاریخ بررسی انتقادی نظریه‌های اقتصادی از سوی مارکس را به عنوان ادامه‌ی **کاپیتال** تصور کند. مجموعه‌ی دست‌نوشته‌های مارکس، شامل محتوای مجلد‌های دوم و سوم **کاپیتال** و نیز **نظریه‌هایی پیرامون ارزش**

اضافی، پیش از انتشار مجلد نخست **کاپیتال** نوشته شده و آماده بوده است و به همین دلیل، زمانی که منتقدان پس از انتشار مجلد سوم **کاپیتال** به تناقضات بین مجلد اول و مجلد سوم در عطف به رابطه‌ی ارزش و قیمت (بحث معروف «تئوری تبدیل») و به معضل مارکس در حل آن اشاره کردند، انگلس به‌سادگی پاسخ داد که متن مجلد سوم پیش از انتشار مجلد نخست آماده بوده است. بنابراین ترتیب و توالی مطالبی که در مجلد‌های اول تا سوم **کاپیتال** آمده‌اند از برنامه و منطقی معین پیروی می‌کند و مربوط به تقدم و تأخر زمان تألیف آن‌ها نیست. از همین رو، نهادن نام «مجلد چهارم» **کاپیتال** بر **نظریه‌های ارزش اضافی** نباید با این شبهه همراه شود که این اثر از همان منطق ترتیب و توالی سه مجلد **کاپیتال** پیروی می‌کند.

ترتیب مطالب و دیدگاه‌هایی که مارکس در **نظریه‌ها...** به آن‌ها پرداخته است کمابیش با ترتیب تاریخی ظهور و تأثیر آن‌ها مطابق است. دست‌کم سه اندیشه‌ی مهم و اندیشمند بزرگ در حوزه‌ی اقتصاد سیاسی، همانا فیزیوکرات‌ها، اسمیت و ریکاردو، به ترتیب توالی تاریخی بررسی شده‌اند. به‌علاوه، در مواردی که مارکس بخشی از بحث درباره‌ی نظریه‌پرداز یک گرایش را در جای دیگر و پسین‌تری آورده است کارش عامدانه است و آن را با استناد به رشته‌ای محتوایی و استدلالی انجام می‌دهد. از همین روست که در خودِ متن بارها با این یادآوری روبه‌رو می‌شویم که به این یا آن موضوع در جای دیگری پرداخته خواهد شد. گواه‌گویای این روش همین تقسیم بررسی فیزیوکرات‌ها و تابلوی اقتصادی کینه به اول و آخر مطالب مجلد اول است. در آغاز، هدف فقط تأکید بر ماهیت ارزش اضافی است، در پایان، بررسی کل منظومه‌ی اقتصاد سیاسی فیزیوکراتی موردنظر است.

دفترهای مارکس و بخش‌هایی از متن در بسیاری موارد عنوان مستقلی ندارند و عنوان‌ها را اغلب ویراستاران این دفترها به آن‌ها افزوده‌اند. اما کل این دفترها یک عنوان اصلی و محوری دارد که از سوی خود مارکس بر سرآغاز آن نوشته شده است: **پیرامون نقد اقتصاد سیاسی**. عنوان «نقد اقتصاد سیاسی» که مارکس برای این دفترها برگزیده است از هر لحاظ دقیق و شایسته است. مارکس در **نظریه‌ها** گفت‌وگویی انتقادی با دیدگاه‌های مورد بررسی‌اش دارد و متن کمابیش به صورت یک جدلِ رو در رو تنظیم شده است. او قطعه‌هایی از اثر موردنظر را که حاوی استدلالی معین‌اند عیناً و به زبان اصلی (انگلیسی، فرانسوی، ایتالیایی، لاتین...) نقل می‌کند و با عباراتی در فاصله‌ی این گفتاوردها، از چند کلمه و جمله گرفته تا ده‌ها صفحه، استدلال‌های خود را در برابر آن‌ها می‌گذارد. از همین رو دنبال کردن مسیر استدلال‌های مارکس در این جدل‌ها راهی بسیار ساده و درعین‌حال هیجان‌انگیز و لذت‌بخش برای فهم دیدگاه خود او پیرامون ارزش و ارزش اضافی و نقد شیوه‌ی تولید سرمایه‌داری است.

کل مضمون دفترهای مربوط به **نظریه‌هایی پیرامون ارزش اضافی** و تقسیم آن‌ها در سه مجلد (که بیش‌تر به ابتکار ناشران و ویراستاران مربوط است تا طرح‌های مارکس) از ترتیبی منطقی و مضمونی در بررسی نظریه‌های ارزش اضافی پیروی می‌کند. همان دو سه صفحه‌ی نخست درباره‌ی استوارت مهم‌ترین و کلیدی‌ترین پرسش را در آغاز کار طرح می‌کند: سود سرمایه از کجا می‌آید؟ و بلافاصله به بررسی مهم‌ترین و اساسی‌ترین پاسخی می‌پردازد که اقتصاد سیاسی از آغاز تا امروز به این پرسش داده است؛ همانا این پاسخ که سود ناشی از افزونی قیمت کالاها نسبت به هزینه‌ی تولیدشان یا، به زبان ساده‌تر، ارزان خریدن و گران فروختن است. استدلال‌های مارکس در همان نخستین گام‌ها برای نشان دادن خاستگاه و قلمرو این پاسخ، همانا سپهر گردش و مبادله، و بن‌بست‌هایی که با آن روبه‌روست، زمینه‌ها را برای گریزناپذیری انتقال پاسخ این پرسش از سپهر گردش به سپهر تولید فراهم می‌کند. اما این که چگونه در آغازهای اقتصاد سیاسی فقط تحت شرایط معینی ممکن بوده است که محصول اضافی، و بنابراین کار اضافی و ارزش اضافی، نخست در پیکره‌ی مادی و تکرر و ازدیاد مادی و طبیعی محصول تجلی پیدا کند، منحصر شدن تولید ارزش اضافی به کار و تولید کشاورزی و نظام فیزیوکراتی را توضیح می‌دهد. استدلال‌های مارکس در تبیین و نقد رابطه‌ی کار کشاورزی با ارزش مصرفی (پیکره‌ی مادی محصول) و رابطه‌ی درک فراتاریخی از کار و ارزش با فرایند کار و تولید کشاورزی و جوانه‌های توجه به کار فی‌نفسه و ارزش و ارزش مبادله‌ای و پول واقعاً شگفت‌آور، غنی و درخشان‌اند. بنابراین آغازیدن با فیزیوکرات‌ها سپس با طرح زمینه‌های تاریخی و استدلالی‌کننده شدن بند ناف کار از کار کشاورزی، گذار به اسمیت و از آن‌جا به ریکاردو و سرانجام پرداختن به فروپاشی مکتب ریکاردو و ظهور اقتصاد خام‌سر و مبتدل و ولنگار [vulgär] در پایان مجلد سوم نشانگر ترتیب و توالی منطقی و تاریخی معینی است.

منبع ترجمه‌ی فارسی متن آلمانی و دو ویراست معتبر آن است: نخست ویراست معروف به MEGA و دوم ویراست MEW. مشخصات این منابع به شرح زیر است:

ویراست «انستیتو مارکسیسم-لنینیسم، زیر نظر کمیته‌ی مرکزی حزب وحدت سوسیالیستی»، آلمان شرقی (MEGA):

Marx, Karl; *Zur Kritik der politischen Ökonomie* (Manuskript 1861-1863), Karl Marx-Friedrich Engels Gesamtausgabe [MEGA], Teil 2, Zweite Abteilung, Band 3; Institut Für Marxismus-Leninismus beim ZK der Sowjetunion; Institut für Marxismus-Leninismus beim ZK der SED; Dietz Verlag, Berlin 1977.

ویراست «انستیتو مارکسیسم-لنینیسم، زیر نظر کمیته‌ی مرکزی حزب کمونیست اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی» (MEW):

Marx, Karl; *Theorien über den Mehrwert*, Karl Marx-Friedrich Engels Werke, Band 26.1; Institut für Marxismus-Leninismus beim ZK Der SED; Dietz Verlag, Berlin 1976.

نشانه‌ها: ویراست MEGA بسیار به‌ندرت عبارت، نشانه یا توضیحی به متن اصلی افزوده است. در ویراست MEW برخی عنوان‌ها برای بخش‌های مختلف انتخاب شده که در دست‌نوشته وجود ندارند و برخی کلمات اختصاری یا ناقص به طور کامل نوشته شده‌اند. مثلاً جایی که مارکس از «ریکاردو» به شکل «Ric» نام برده است، مجموعه‌ی MEW آن را به صورت «Ric[ardo]» نوشته است. همه‌ی این افزوده‌ها در متن آلمانی MEW و در ترجمه‌ی فارسی در داخل دو قلاب ([]) آمده‌اند. ویراست MEGA فقط شامل یادداشت‌ها یا پانویس‌ها و حاشیه‌نویسی‌های نادر مارکس در دفترهاست. این حاشیه‌ها با علامت ستاره (*) مشخص شده‌اند. برعکس، ویراست MEW یادداشت‌های توضیحی متعدد و مفیدی به متن افزوده است که برخی از آن‌ها در پانویس‌های ترجمه‌ی فارسی آمده است. همه‌ی افزوده‌های مترجم فارسی به همین ترتیب درون «<>» آمده‌اند. یادداشت‌های ویراست MEW با «MEW» همراه با شماره‌ی اصلی، یادداشت‌های ویراست MEGA با «MEGA» و یادداشت‌های متن فارسی با «م. ف.» مشخص شده‌اند. بخش‌های کوتاه یا بلندی که در فاصله‌ی دو آکولاد آمده‌اند نشانه‌ی جابه‌جایی این قطعه‌ها بین دفترهای دست‌نوشته‌هاست. در این مورد و در پاراگراف‌بندی، عمدتاً از ویراست MEW پیروی کرده‌ام، مثلاً جایی که گفتاوردهای بلند در فرازی مستقل آمده‌اند. این شیوه کار خواندن را آسان‌تر می‌کند.

در ترجمه‌ی فارسی پیش‌رو پیش‌گفتار مشروح ویراستاران ویراست MEW نیز که در بردارنده‌ی اطلاعات مفیدی درباره‌ی سرگذشت انتشار **نظریه‌ها** است گنجیده است، اما از ترجمه‌ی پیش‌گفتار ویراست MEGA چشم‌پوشی کرده‌ام، زیرا این متن بسیار کوتاه فقط در بردارنده‌ی چند سطری پیرامون توضیحات فنی این ویراست است. در پایان وظیفه‌ی خود می‌دانم از دوستان ارج‌مند بهجت نیشابوری، کاووس بهزادی، م. بیگی، بیژن سپیدرودی و حسن مرتضوی که زحمت خواندن بخش‌هایی از ترجمه را متحمل شدند و با پیشنهادهای خود به بهبودی در نتیجه‌ی کار یاری رساندند، سپاس‌گزاری کنم.

شهریور ۱۴۰۲